

تأثیر هنر فلزکاری سامانیان بر وایکینگ‌ها به واسطه‌ی روابط تجاری دو منطقه در مسیر جاده‌ی خز

فتانه محمودی

دانشیار گروه پژوهش هنر دانشگاه مازندران

f.mahmoudi@umz.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۱۰
(از ص ۱۴۱ تا ۱۶۰)

چکیده

پایتخت ساسانیان بخارا، مرکز فرهنگی و فکری در تاریخ هم‌تراز با دیگر شهرهای عمده جهان اسلام در قرن ده میلادی / چهارم هجری بود. تجارت در مسیر اصلی دیگری بین آسیای مرکزی و شمال شرقی اروپا رونق گرفت. تبادل خز و برده‌ها از اسکاندیناوی، روسیه و اروپای شرقی، با نقره‌های سامانی در آسیای میانه صورت می‌گرفت. با استناد به یافته‌ها در این مقاله، فرض بر این است که مسیر تجارت خز، به عنوان راه اصلی تبادل فرهنگی سامانیان و روسیه، بازیگران مهم تجارت در عرصه‌ی جهان قرون وسطی می‌باشند، بررسی ارتباط تجاری پرت و دورافتاده در مسیر خز، نه تنها مبین راه نقل و انتقال بین این مناطق است، بلکه به طور مکرر نشانگر اهمیت سامانیان در تاریخ، فرهنگ و هنر اسلامی، و به طور گسترده‌تر در قرون وسطی است. هدف از انجام این پژوهش، بررسی علل تأثیرات متقابل هنری ایران در دوره‌ی سامانیان و وایکینگ‌ها در اسکاندیناوی به دلیل روابط تجاری دو منطقه می‌باشد. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و از طریق تطبیق هم‌زمانی به بررسی آثار هنری دو منطقه در طی دوره می‌پردازد. سؤال تحقیق این است که، روابط تجاری سامانیان و وایکینگ‌ها چگونه باعث اثرگذاری بر تزیینات هنر فلزکاری وایکینگ‌ها شده است؟ نتیجه حاصل از پژوهش، نشانگر این است که تجارت در طول مسیر خز، علاوه بر اهمیت اقتصادی آن، بسیاری از عناصر تزیینی هنر فلزکاری ایران را به هنر اسکاندیناوی منتقل نموده است. عمده‌ی این تزیینات عبارتند از: وجود ترکیب بندی متقارن، عناصر تزیینات گیاهی اسلامی و ترکیب بندی متقارن جانوران روبه‌روی هم، از ویژگی‌های مشترک هنر فلزکاری دو منطقه می‌باشد.

کلیدواژگان: سامانیان، وایکینگ‌ها، مسیر جاده‌ی خز، ظروف نقره، سکه سامانی.

مقدمه

میزان تجارت در طول مسیر خز، مسیر تجاری مهم میان آسیای مرکزی و شمال شرقی اروپا در قرن دهم میلادی / چهارم هجری رونق گرفت. اگرچه مسیر خز، در انزوا قرار نداشت، اما مداری در شبکه‌ی متراکم و گسترده‌ی تبادل جهانی بود. این مسیر کمتر شناخته شده است، و طی شواهدی مبنی بر تبادل آثار هنری از این مسیر، به دلیل گفتمان در انتقال فرهنگ قرون وسطی، به میزان اهمیت آن به عنوان یکی از راه‌های مهم تجاری می‌افزاید (Pritsak, 1981: 75). شواهد فراوانی در این رابطه مرکب از تجزیه و تحلیل بصری، باستان‌شناسی و سکه‌شناسی وجود دارد. دلیل اصلی این راه ارتباطی با چنین فاصله‌ی گسترده‌ای، انگیزه اقتصادی بوده و اشیاء اصلی که دادوستد می‌شدند، شامل اقلام لوکس سبک و قابل حمل، یعنی اشیاء نقره‌ای و منسوجات بودند. نقوش اشیای هنری که از طریق این محصولات با ارزش منتقل می‌شدند، در دیگر رسانه‌های هنری دوره‌ی سامانیان در آسیای مرکزی، مانند معماری و بناهای یادبود تاریخی نیز یافت می‌شدند. مسیر خز در کنار دیگر شبکه‌های تجاری جهان قرون وسطی، یعنی جاده‌ی ابریشم، دریای مدیترانه و اقیانوس هند بوده است که توجه بسیاری را در سال‌های اخیر به خود جلب کرده‌اند. در رابطه با پیشینه‌ی پژوهش، ارتباط هنری مابین هنر سامانی و وایکینگ‌ها تاکنون تحقیقی انجام نگرفته است، اما می‌توان به منابعی محدود در زمینه‌ی تبادلات تجاری و انتقال سکه‌های سامانی به اسکاندیناوی و دادوستد خز و بردگان از روسیه با سکه‌های سامانیان اشاره نمود.

مسئله‌ای که پژوهش در پی پاسخ به آن بوده، این است که، تبادلات تجاری دولت سامانی و وایکینگ‌ها چه تأثیری بر تبادلات سلیق هنری دو منطقه داشته است؟ فرضیه‌ی تحقیق بر این نظر استوار است که مسیر تجارت خز، به عنوان راه اصلی تبادل فرهنگی سامانیان و روسیه، نقشی مهم در تجارت در قرون وسطی بوده و نتیجه‌ی این تبادلات در تأثیرپذیری آثار هنری بر یکدیگر نیز تجلی یافته است. این تبادل، از نکات جالب در مورد انتقال نقوش بین رسانه‌های هنری و همچنین روابط بین فرهنگ‌ها است. اگرچه این مقاله، در رابطه با تبادل هنری میان وایکینگ و اشیاء وارد شده به این مناطق از آسیای مرکزی در طول مسیر خز، در قرن دهم است، اما باید از ابتدا اذعان داشت که تمرکز مقاله بر هنر سامانی در آسیای مرکزی است. انتقالات مابین سامانیان و وایکینگ‌ها، موضوع این مطالعه‌ی موردی است؛ زیرا انواع مختلفی از شواهد اقتصادی، باستان‌شناسی، تاریخی، هنری بدون نیاز به تجزیه و تحلیل بصری، وجود این ارتباط را مشخص می‌کند (TIBI, 1996: 211-217). ساختار مقاله بدین‌گونه است که ابتدا به بررسی روابط تجاری دو منطقه پرداخته شده است؛ سپس با در نظر گرفتن این ارتباط و با اذعان به وجود این تبادلات تجاری، تعدادی از ظروف نقره‌ی دو کشور با توجه به اهمیت ظروف، به عنوان نمونه‌ی موردی این پژوهش در رابطه با دربر داشتن شاخصه‌های هنری دو منطقه برگزیده شده‌اند. نظر به محدود آثار ظروف فلزی متعلق به دوره‌ی سامانیان، چند اثر نادر از دوره‌ی مذکور موجود در موزه‌ی ارمیتاژ جهت این بررسی در نظر گرفته شده‌اند. تطبیق مورد نظر، فقط بر روی نقش‌مایه‌های ظروف دو منطقه می‌باشند و فرم و شکل ظروف تفاوت‌های بسیاری با یکدیگر دارند.

پیشینه‌ی پژوهش

میچاپلیدیس (۲۰۱۲) در مقاله‌ای تحت عنوان: «سکه‌های سامانی و تجارت در مسیر خز»، در مورد مسیر خز و تجارت سامانیان با اسکاندیناوی اذعان داشته که وایکینگ‌ها سکه‌های سامانی را مستقیماً جهت دادوستد استفاده می‌کردند. اریکسن و دیگران (۲۰۱۴) در کتاب دنیای وایکینگ‌ها به تولیدات و مبادلات وایکینگ‌ها در اسکاندیناوی و خارج از آن، و در واقع به مطالعات میان‌رشته‌ای در مورد وایکینگ‌ها و جهان بیرون آن‌ها پرداخته است. کرشاو (۲۰۱۰) در مقاله‌ای تحت عنوان: «سبک هنری وایکینگ‌های اسکاندیناوی» به هنر وایکینگ‌ها و سبک‌های آن از اواخر قرن دهم تا اوایل قرن دوازدهم میلادی پرداخته است. در این مطالعه، گاهنگاری ویژگی‌های هنری تشخیص داده شده و ظهور آن در آثار باستانی یافت شده در بریتانیا مورد بررسی قرار می‌گیرد. هروی (۱۳۸۹) در مقاله‌ی تحت عنوان: «دولت سامانیان در عرصه‌ی سیاست خارجی»، به بررسی سیاست خارجی و تحول‌های آن می‌پردازد و با تکیه بر مستندات تاریخی و جغرافیایی و استخراج، دسته‌بندی و نقد مطالب مرتبط، بحثی تازه ارائه می‌کند که مهم‌ترین هدف پژوهش نیز به‌شمار می‌آید. میچینر (۱۹۸۷) در مقاله‌ی خود تحت عنوان: «تجارت وایکینگ‌ها و سامانیان» در مورد کاربرد سکه‌های سامانی در اسکاندیناوی توسط وایکینگ‌ها با تکیه بر مشاهدات سکه‌شناسی به معرفی مسیر تجاری در قرن دهم پس از میلاد پرداخته و به «سوئد» به‌عنوان منبع مهم تهیه‌ی سکه‌های سامانی از افغانستان اشاره کرده است. برینک (۲۰۰۸) در کتاب جهان وایکینگ‌ها به تجارت در مناطق مختلف وایکینگ‌ها پرداخته است. تمامی پژوهش‌های ذکر شده حاکی از وجود روابط تجاری میان دو منطقه‌ی ایران و اسکاندیناوی در دوره‌ی سامانیان دارد، اما در هیچ‌یک از تحقیقات نام‌برده شده به تأثیرات هنری دو منطقه بر یکدیگر اشاره‌ای نداشته‌اند. مقاله‌ی حاضر، تأثیرات متقابل هنر فلزکاری ایران در دوره‌ی سامانیان را بر هنر وایکینگ‌ها در اسکاندیناوی به‌واسطه‌ی وجود روابط تجاری دو منطقه در نظر داشته و سعی بر این بوده که با بررسی و تحلیل نقش مایه‌های تزئینی تعدادی از آثار نقره‌ی نام‌برده، به نتیجه‌ی مورد نظر برسد.

روش نمونه‌گیری و جامعه‌ی آماری

نمونه‌گیری در این پژوهش به شیوه‌ی غیرتصادفی هدفمند بوده است که اطلاعاتی از تزیینات ظروف فلزی دو منطقه به دست دهند، و انواع خاصی از اشیاء فلزی نقره که قادر به ارائه‌ی اطلاعات مورد نظر هستند، انتخاب شده‌اند؛ زیرا این آثار فلزی تنها نمونه‌های موجود هستند که می‌توانند چنین اطلاعاتی را ارائه دهند و با برخی از معیارهایی که نگارنده تدوین کرده، مطابقت دارند. در واقع نمونه‌گیری هدفمند بوده و محقق در راستای پاسخ دادن به پرسش پژوهش و رسیدن منطقی به فرضیه‌ی مورد نظر تحقیق، نیاز به گزینش تعدادی از آثار قابل دسترسی بوده است. و نظر به این که عنوان مقاله، بررسی تطبیقی با هدف دستیابی به تأثیرات هنر دو منطقه برهم بوده است، ملاک، کشف و تشریح شباهت‌های موجود در آثار نمونه‌های انتخابی بوده و به تفاوت‌ها که بی‌شک به دلایل تفاوت‌های موجود فرهنگی، جغرافیایی و مذهبی دو منطقه به‌میزان قابل توجهی بوده‌اند، اشاره‌ای نشده است.

موقعیت سامانیان در تاریخ هنر اسلامی

نگاهی به موقعیت جغرافیایی حکومت سامانیان و چگونگی استفاده‌ی بهینه از آن در جهت رصد تجارت و بازرگانی از طریق احیای جاده‌ی قدیمی و سنتی ابریشم که تجارت و بازرگانی را از چین و ترکستان تا سواحل خلیج فارس و عراق و حجاز میسر می‌کرد، موجب فراهم شدن شرایط نسبتاً خوب اقتصادی، اجتماعی و معیشتی مردم همراه با امنیت نسبی بوده است.

تجار و بازرگانان، موفق به گسترش دادوستد با چین، اروپای شرقی، سرزمین‌های جنوب جیحون و نیز تبادل کالا به صحرائنشینان عرب شدند. با تأمل در رویدادهای این روزگار، می‌توان شالوده‌ی اصول سیاست خارجی در تاریخ ایران را از قرن چهارم هجری / دهم میلادی دریافت. در این هنگام، امیران سامانی در خراسان بزرگ رستاخیزی در علم، هنر و فرهنگ به وجود آوردند و در پی آن، در صدد پی‌افکندن ساختارهای استواری برای روابط با جهان معاصر خود برآمدند.

حکومت سامانی با تثبیت موقعیت سیاسی در خراسان بزرگ و با تکیه بر موقعیت جغرافیایی سیاسی منطقه، وارد عرصه‌ی جدید تکاپوهای سیاسی، دینی، نظامی و فرهنگی شد و تمهیدهای لازم را برای چنین فرآیندی براساس اصول نخستین نظام دیوان سالارانه‌ی کارآمد در تاریخ ایران دوره‌ی اسلامی و به‌ویژه با اتکا به مرزبندی‌های نوین جغرافیایی و دایره‌ی مناسبات و روابط خارجی را توسعه بخشید؛ بنابراین سامانیان، نخستین شالوده‌های تحرکات خارجی جدی را در تاریخ ایران دوره‌ی اسلامی پی‌افکنند و در این زمینه گام‌های اساسی نیز برداشتند (هروی، ۱۳۸۹: ۱۲۰). به‌منظور درک ارزش شواهد مسیر خز، برای ارزیابی مجدد سامانیان، بررسی محل فعلی و درازمدت آن‌ها در زمینه‌ی تاریخ هنر اسلامی، موقعیتشان و نقشی که در تاریخ قرون وسطی و تاریخ هنر بازی می‌کنند، مهم است. سامانیان بر مناطقی شامل ازبکستان و تاجیکستان و بخش‌هایی از قزاقستان، ترکمنستان، افغانستان و ایران، از سال ۸۷۴ تا ۱۰۰۵ م. حکومت می‌کردند. و به‌عنوان اولین سلسله‌ی اسلامی برای ترویج زبان فارسی، زبان دولت و ادبیات، قابل توجه بودند (Frye, 1984: 81-88). تا آن زمان، اسلام با قومیت عرب همراه بود. استفاده از فارسی به‌عنوان زبان رسمی توسط یک سلسله‌ی اسلامی با هویت فارسی همراه بود. بخش عمده‌ای از مناطق تحت حکومت سامانی توسط یکی دیگر از گروه‌های قومی ایران، سغدیان، و همچنین فرزندان عرب‌ها و ایرانی‌هایی که عمدتاً در منطقه به‌عنوان سربازان فاتح آمده بودند، ساکن شدند. در رقابت با اشراف سغدی، سامانیان، حکومت خود را با این ادعا که از تبار ساسانیان هستند، معرفی می‌نمودند. در واقع حمایت‌های ادبی و هنری آنان برای اثبات این ادعا می‌باشد (Frye, 1975: 136-161). سامانیان در محدوده‌های محلی نمی‌اندیشیدند و خود را از بازتاب‌های جهانی محروم نمی‌کردند. آن‌ها همچنان که قلمرو خود را به شاهراه تجاری شرق به غرب عالم تبدیل کرده و توجه بازرگانان جهان را به خود معطوف ساخته بودند، به دلیل تسامح و تساهل فکری در نظام سیاسی نیز زبان زد ملت‌های هم‌عصر خود بودند (گلجان، ۱۳۸۴: ۵۶).

نمونه‌ی روشن تلاش وسیع امیران سامانی در این عرصه، کشف گنج‌های بزرگ مسکوک‌های نقره و درهم سامانی در روسیه، لهستان و اسکاندیناوی است (فرای و دیگران، ۱۳۶۵: ۱۳۰). این سکه‌ها که در کاوش‌های باستان‌شناسان غربی به دست

آمده بود، مراوده‌های اقتصادی گسترده‌ی بازرگانان سامانیان را با دیگر تجار نواحی دوردست اروپایی نشان می‌دهند.

روابط ایران و روس در دوره‌ی سامانی

حکومت روس که از آغاز قرن سوم هجری / نهم میلادی، اقتدار سیاسی و نظامی یافت، در ناحیه‌ی شمال دریای خزر و رود «ولگا» با کمک اقوام «اسلاو» تثبیت شد. روس‌ها برای وارد شدن به دریای خزر، ناچار بودند با خزرها پیمان ببندند و بخشی از غنیمت‌ها و رهاورد‌های این مسیر را در اختیار آن‌ها بگذارند، به این ترتیب می‌توانستند برای غارت آب‌های جنوب خزر به سوی این منطقه سرازیر شوند (مسعودی، ۱۳۷۰: ج ۱/ ۱۷۸). اطلاعات تاریخی از نخستین هجوم روس‌ها بر روی سکه‌های به دست آمده از منطقه‌ی آپسکون نشان از حضور آن‌ها در این منطقه است که در حدود سال ۲۶۷ هـ.ق / ۹۱۰ م. با شانزده کشتی برای غارت به ساحل ایران هجوم آوردند (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶: ۲۶۶).

مسکوکات سامانی، ابتدا برای خرید جنس و مال‌التجاره، از ایران به روسیه و بلغار و دشت قباچاق و ممالک دیگر مجاور روسیه رفته و پس از آن چون ملل مذکور، هنوز خودشان هیچکدام برای معاملات دارای مسکوکی نبودند، برای خریداران مال التجاره‌ی ملل اسکاندیناوی، آن قدری را که نمی‌توانستند با جنس بپردازند، مجبور بودند با مسکوکاتی که از خارج به خاک آن‌ها می‌آمد، بپردازند؛ از این رو، در ممالک مذکور، مقداری از این سکه‌ها وجود داشته است. مسکوکات مزبور تماماً نقره است، چون که مسکوکات طلا را خود روس‌ها نگاه می‌داشتند و به اسکاندیناوی نمی‌دادند. در این میان هم، بعضی مسکوکات نقره از وسط نصف شده و علت آن بوده است که اقوام مذکور در معاملات خود، مسکوکات را از روی وزن، دادوستد می‌کردند؛ گاهی هم مجبور می‌شده‌اند که بعضی از قطعات را نصف کنند. چنان‌که ابن حوقل نیز به درهم‌های شکسته اشاره می‌کند (جمال‌زاده، ۱۳۷۲: ۴۲). بخارا، پایتخت سامانیان، یک مرکز فرهنگی و فکری، هم‌تراز با دیگر مناطق عمده‌ی جهان اسلام در قرن دهم هجری، از جمله بغداد، قاهره و قرطبه بود. پزشکی و فیلسوف معروف «ابن سینا» (متوفی ۱۳۰۷ م.) به طور مثال، از حمایت دربار سامانیان برخوردار بود. از سوی دیگر، نقره‌جات و منسوجات سامانی، هم به صورت محلی استفاده و هم صادر شده است. نقوش پارچه‌ها تداوم نقوش تزئینی از دوره‌ی پیش از اسلام را دربر دارند که شامل قرارگیری پرندگان در داخل مدالیون مرواریدنشان بوده و حیوانات، اغلب به صورت متقارن و مقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند. پرندگان و حیوانات، اغلب دارای روبان‌های در اهتزاز دور گردن بوده و گاه گردن‌بندی را به منقار گرفته‌اند. همه‌ی این ویژگی‌ها را می‌توان در ابریشم‌های ساسانی و سغدیان پیش از اسلام مشاهده کرد و به همین دلیل اغلب حدس زدن در رابطه با قدمت نساجی سامانیان دشوار است.

منطقه‌ی فرارود (ماوراءالنهر) به سبب وجود طبیعت مساعد و معادن غنی از دیگر مناطق ایران ممتاز بود. یکی از جهانگردانی که در دوره‌ی «نصر بن سامانی» به منطقه‌ی فرارود سفر کرد، «ابن فضلان» است. وی تصریح می‌کند که چند نوع پول در آن جا رواج داشت که همگی دارای ارزش و اعتبار بودند (ابن فضلان، ۱۳۵۵: ۶۳). در اکتشافاتی که اخیراً در ناحیه‌ی اسکاندیناوی و لهستان صورت گرفته است،

سکه‌های نقره‌ای مربوط به سامانیان به دست آمده است. این سند نشانگر حجم زیاد مبادله‌ی کالا از فرارود به اروپای شرقی است (فرای، ۱۳۶۵: ۱۰۵). برخی از محققان معاصر، معتقدند که سامانیان در جهانی ساختن فرهنگ و تمدن اسلامی نقش اساسی ایفا کرده‌اند (همان: ۱۵۴). نمونه‌ی روشن تلاش وسیع امیران سامانی در این عرصه، کشف گنج‌های بزرگ مسکوکات نقره و درهم سامانی در روسیه، لهستان و اسکاندیناوی است (همان: ۱۳۰). این سکه‌ها که در کاوش‌های باستان‌شناسان غرب به دست آمد، مراوده‌های اقتصادی گسترده‌ی بازرگانان سامانی را با دیگر تاجران نواحی دوردست اروپایی نشان می‌دهد.

نخستین روابط ایران و روس‌ها مربوط به عصر سامانیان و هجوم غارتگرانه‌ی آن‌ها به ساحل ایران است (مسعودی، ۱۳۷۰: ج ۱/ ۱۷۸). با آغاز قرن چهارم هجری / دهم میلادی، سامانیان علاوه بر روابط با ترک‌ها و چینی‌ها با روس‌ها و بلغارها نیز مناسباتی برقرار کردند. برخلاف روابط نظامی با روس، روابط با بلغارها، تجاری بود (بارتولد، ۱۳۷۶: ۸۲). سمرقند و بخارا، دو شهر بزرگ ماوراءالنهر بودند که میان رودهای جیحون و سیحون قرار داشت؛ در نقشه‌ی سیاسی امروز، آسیای مرکزی خوانده می‌شود. این دو شهر در تقسیم‌بندی جغرافیایی، بخشی از ایالت سغد به‌شمار می‌آمدند (حوقل، ۱۳۶۶: ۲۱۰).

مسیر تجاری جاده‌ی خز

اصطلاح «مسیر خز»، مانند واژه‌ی «جاده‌ی ابریشم» کمی گمراه‌کننده است. در واقع این جاده‌ها، تنها مسیر تجارت خز و ابریشم نبودند؛ بلکه طیف گسترده‌ای از محصولات در امتداد هر دو شبکه، دادوستد می‌شدند. در مسیر خز، نقره از سرزمین‌های سامانیان در آسیای مرکزی در ازای خز، برده، چوب، کهربا، عسل و گل آخری، جهت رنگ کردن کالاها از شمال صادر می‌شد (Sindboek, 2008: 150-158).

در دوره‌ی سامانیان بسیاری از مسیرهای عمده تجارت استراتژیک از طریق شهرهای بنادر ساحلی به تصویب رسید، این شهرها به نوبه‌ی خود اغلب به شبکه‌های تجاری گسترده‌ی داخلی متصل شدند. تجارت زمین در دوره‌ی سامانیان که یکی از مرفه‌ترین دولت‌ها بود، رونق گرفت؛ هرچند حاکمیت کوتاهی داشتند اما از سلسله‌های بودند که عملاً در کاهش قدرت خلافت عباسی تأثیر بسزایی داشتند. از هنگامی که پایتخت آنان بخارا و تا زمانی که ازبکستان شد، تجارت خود را در سرزمین‌های خراسان و ماوراءالنهر توسعه داده و بازارهای تجاری بین‌المللی را تحت کنترل داشته‌اند و از طریق خوارزم، که در آن زمان کاروان مسلمانان جهت عبور از ساحل شمالی دریای خزر برای رسیدن به شهر مهم «آتیل» واقع در امتداد رودخانه‌ی ولگا مجبور به گذشتن از آن بودند، به توسعه‌ی تجارت پرداخته‌اند (Perner & Madeleine, 2009: 217). این مسیر تجارت شمالی، نه تنها مجوز تجارت با وایکینگ‌ها، بلکه فراتر از آن با سوئد و فنلاند را به سامانیان می‌داد. این مسیر در نقشه ۱، با رنگ سرخ مشخص شده است. گرایش مردم ترکیه به اسلام در قرن دهم میلادی مسیرهای تجاری گسترده‌ای را به روی جهان اسلام گشود. مسیرهای مهم تجاری آسیای مرکزی از مراکز عمده تولید و تجارت: نیشابور، مرو، بلخ، بخارا، سمرقند، و خوارزم عبور کرده و از آن‌ها اقلام لوکس، مانند پوست، کهربا، عاج شیرماهی (که معتقد بودند دارای خواص زیبایی، همچنین

دارویی و جادویی هستند)، و همچنین تیغه‌ی شمشیر، چرم، و دیگر کالاهای اساسی، به بغداد منتقل می‌شدند (Holman, 2009: 232). در قرن نهم و دهم میلادی، بازار بلغار، مرکز توزیع پوست‌های لوکس شمال به خزر و جهان اسلام بود. مردمان خزر و تجار مسلمانان، درازای پرداخت انواع سکه‌های نقره، به خرید کالاهای لوکس شرقی، مانند: پوست سمور، روباه و سنجاب مبادرت نموده و آن‌ها را به طور مخفیانه همراه با بردگان خریداری شده، عسل، موم، سلاح و سایر محصولات انتقال می‌دادند. کالاهای خریداری شده از راه‌های زمینی و دریایی با قایق در طول رودخانه‌ی ولگا به مقصد حمل می‌شدند. مقصد، عموماً اسپانیا، افریقا، ری، بغداد و سرزمین‌های سامانی بودند. خزهای فروخته شده از راه زمین یا دریا به سایر سرزمین‌های اسلامی انتقال می‌یافتند (Martin, 2004: 35).

تجارت سامانیان و وایکینگ‌ها در طول مسیر جاده‌ی خز با شواهد سکه‌شناسی

سکه‌ها و احتمالاً دیگر اشیاء نقره‌ی سامانی، به عنوان ارز توسط وایکینگ‌ها، که دسترسی به معادن نقره در مناطق خود نداشتند، مورد استفاده قرار می‌گرفت. در قرن دهم میلادی / نهم هجری، وایکینگ‌ها، نوار گسترده‌ای از شمال و شرق اروپا، از جمله اسکاندیناوی، قسمتی از جزایر بریتانیا، ساحل دریای بالتیک و شهرک‌های توسعه یافته در پایین رودخانه‌ی ولگا را، اشغال کردند. اشیایی که در این مناطق وایکینگ‌ها یافت شد، دارای طرح‌های درهم تنیده‌ای است که شباهت به نقوش تزئینی مرتبط با هنر اسلامی، از جمله اسلیمی دارند. ریشه‌ی این تجارت به ابتدای قرن نهم باز می‌گردد که خزرها در پایین ولگا، شروع به تأمین برده‌ها از مسیر خز، برای خلفای عباسی از میان بردگان شاخه‌ی شرق اسلاو کردند (Noonan, 1981: 51-3). در پایان قرن نهم هجری، این وضعیت تغییر کرد. بر اثر کشف معدن بزرگ نقره در افغانستان، ماوراءالنهر بسیار غنی شد و حاکمان سامانی شروع به ضرب سکه‌های



► نقشه ۱. مسیرهای تجاری وایکینگ‌ها در قرن‌های ۸ تا ۱۱ م. مسیر تجاری ولگا یا جاده تجاری خز (سرخ)، مسیر تجاری وایکینگ‌ها به یونان (بنفش) و دیگر مسیرهای تجاری (نارنجی)، (نگارنده، ۱۳۹۵).

بزرگ غیرمعمولی با کیفیت بالا در تاشکند، سمرقند، بلخ، بخارا و جاهای دیگر کردند. بسیاری از این نقره‌ها به روسیه صادر شدند (P. H. Sawyer, 2003: 120). در بسیاری از موارد، انتقال فرهنگی در قرون وسطی به تنهایی با مقایسه‌ی بصری اثبات نمی‌شود، اما احتمال ارتباط بین هنر سامانیان و وایکینگ‌ها بیشتر می‌تواند از طریق سکه‌شناسی و منابع مکتوب پشتیبانی شود. واقعیت حاکی از آن است که تعدادی از شواهد وجود دارند که متضمن این پتانسیل تبادل هنری و فرهنگی بوده و موجب این مطالعه‌ی موردی ویژه شده‌اند. منابع مربوط به وایکینگ‌ها در تاریخ، رساله‌های جغرافیایی و حساب مسافران جهان اسلام، به اندازه‌ی کافی متعدد هستند که یکی از انواع منابع اصلی در دسترس برای مطالعه‌ی وایکینگ‌ها را تشکیل می‌دهند. اولین آن‌ها نوشته‌های ابن خردادبه در قرن نهم بود، و نویسندگان قرن دهم که در وصف وایکینگ‌ها بسیار نوشته‌اند، مانند: ابن فقیه، یعقوبی، ابن روستا، ابن فضلان، بلخی، اصطخری، مسعودی و نویسنده‌ی ناشناس *حدودالعالم* (Gullbekk, 2008: 543-549).



▲ تصویر ۱. سکه‌های سامانی استفاده شده توسط وایکینگ‌ها، کشف شده در سال ۱۹۳۲ م. در روستای رندلو در یوتلند، محل نگه‌داری در موزه‌ی کپنهاگ (Skre, 2008: 369).

در این متون، به وایکینگ‌ها عنوان «روس» اطلاق شده و ساکن منطقه‌ای گسترده از جزایر بریتانیا تا ولگا بوده‌اند، بر دریای شمال تسلط داشته و حملاتی به جنوب اسپانیا انجام می‌دادند. به عبارت دیگر، این منطقه از روس در منابع عربی هم‌زمان به عنوان منطقه‌ی مسکونی وایکینگ‌ها اشاره شده است. بحث مطرح شده در این جا، حاکی از این واقعیت است که این مردم که با سامانیان وارد دادوستد شده بودند، سکه‌های سامانیان را به عنوان پول و اشیاء استفاده می‌کردند.

بررسی نمونه‌ی آثار فلزی دوره‌ی سامانی

پس از بررسی روابط تجاری دو منطقه‌ی روس و ایران در دوره‌ی سامانی، جهت بررسی تأثیرات هنر فلزکاری دو منطقه برهم، تعدادی از ظروف فلزی نقره‌ی دو منطقه، جهت بررسی موردی انتخاب شده‌اند که جهت کشف شباهت‌های موجود در آثار، تجزیه و تحلیل آن‌ها به شرح ذیل صورت گرفته است:

جام فلزی متعلق به قرن ده میلادی / چهارم هجری (نمونه‌ی ۱، تصویر ۲): این کوزه با فرم و تزیینات غنی، از دیگر انواع آن متمایز است. پرندگان قرار گرفته به صورت ردیفی بر بدنه‌ی آن، شبیه پرندگان قرن دوازده میلادی / ششم هجری برنزه‌های خراسان می‌باشند؛ حتی پایه‌های ظرف شبیه پای پرندگان است. یک سیمرغ، طاوس با روبان به دور گردن و شاخه‌ای کوچک در منقارش به همراه دو پرنده‌ی دیگر به تصویر کشیده شده‌اند. نقش مایه‌ی ساسانیان تحریف شده است؛ موقعیت سیمرغ غیرمعمول است، در حال پرواز نیست و ایستاده است. پس‌زمینه دارای ورقه‌های منقوت است و سنتی است که در آسیای مرکزی و خراسان متداول بوده است. اما عدم حضور هیچ ویژگی ناب دیگر مختص آسیای مرکزی، احتمال تعلق آن به خراسان را بیشتر می‌کند. با وجود کاربرد افراطی تزیینات، خط کوفی کتیبه‌ساده‌ای متعلق به قرن ۹ یا ۱۰ م. در آن به کار رفته که معنای آن عبارت است از: «نعمت خدا و رفاه و شادی از برای حسین بن علی (ع) است». این نوع تزیینات نمونه‌ای مربوط به قرن ده میلادی / چهارم هجری قمری است که نام امام حسین (ع) به عنوان شهید شیعه در ظرف مشاهده می‌شود (Lukonin & Ivanov, 2012: 135).



▲ طرح جزئیات تصویر ۲. کتیبه‌ی کوفی بر گردن ظرف (نگارنده، ۱۳۹۵).



جام فلزی متعلق به قرن ده میلادی / چهارم هجری (نمونه‌ی ۲، تصویر ۳): این گلدان، متعلق به نیشابور است؛ در گردن و بدنه ظرف تزییناتی حاوی نقش طاووس به چشم می‌خورد که برگی را به متقار خود گرفته است. تزیینات، شامل کتیبه‌ای به خط کوفی و جهت بیان آرزوهای خوب است؛ البته پرنده‌ی این ظرف، متفاوت از پرنده‌های دوران ساسانی است. در هر دو ظرف به شیوه‌ی گلدان‌ها و ظروف فلزی ساسانی، نقش‌ها دارای پس‌زمینه‌ی منقوش بر بدنه‌ی گلدان می‌باشند. کتیبه‌ی زیر گردن ظروف به خط کوفی است و نقوش هر دو ظرف، گذار از دوره‌ی ساسانی به دوره‌ی سلجوقی را نشان می‌دهند. به نظر می‌رسد، ظروف متعلق به خراسان یا ماوراءالنهر در قرن ده می‌باشند (Dimand, 1941: 193).

سینی متعلق به قرون اولیه‌ی اسلامی (نمونه‌ی ۳، تصویر ۴): این سینی، متعلق به قرون اولیه‌ی اسلامی می‌باشد که سنت‌های هنر بیزانسی مصر و سوریه بر آن‌ها حاکم است؛ اما در نمونه‌های بعد در قرون ۹ و ۱۰ م.، در عین حفظ این سنت‌ها نمایش نقش مایه‌های ایرانی به‌طور فزاینده‌ای در آن‌ها به چشم می‌خورد. این سینی دارای انواع نقوش تزیینی تکراری است که با دوایر مروارید نشان محاط شده‌اند. عدم حضور عناصر آناطومی‌وار و وجود تقسیمات منظم کمتر شبیه به هنر ساسانی و بیشتر نزدیک به گچبری‌های معماری دوران اسلامی است. ظرف، مانند نمونه‌های قبلی متعلق به قرون ۸ و ۹ م. است که در آن ویژگی‌های ایرانی کمتر بیان شده‌اند؛ شباهت‌ها در سازماندهی منظم نقوش تزیینی سطح و جزئیات عناصر از جمله گلدان‌های گل‌دار داخل مدالیون، که از دو ظرف گلدان بیرون ریخته‌اند با جوانه‌های با گلبرگ‌هایی به سمت بیرون و گل‌های کوچک پس‌زمینه از ویژگی‌های هنر اسلامی است (Lukonin & Ivanov, 2012: 134).

سینی پایه‌دار قرون اولیه‌ی اسلامی (نمونه‌ی ۴، تصویر ۵): توزیع گسترده‌ی ظروف نقره‌ای سامانی، از جمله سینی پایه‌دار در موزه‌ی پرگامون در برلین (تصویر ۱) نیز در غرب اروپا و در قلمرو سابق سامانی یافت شده است. این آثار مکشوف، اگرچه دارای ویژگی‌های فلزکاری ساسانیان می‌باشند، اما ویژگی‌های متمایز و منحصر به فرد خودشان از دوره‌ی سامانی را دربر دارند. تکنیک‌های مشابه چکش‌کاری، حکاکی،



▲ طرح جزئیات تصویر ۳. کتیبه بر بدنه‌ی زیر گردن ظرف (نگارنده، ۱۳۹۵).

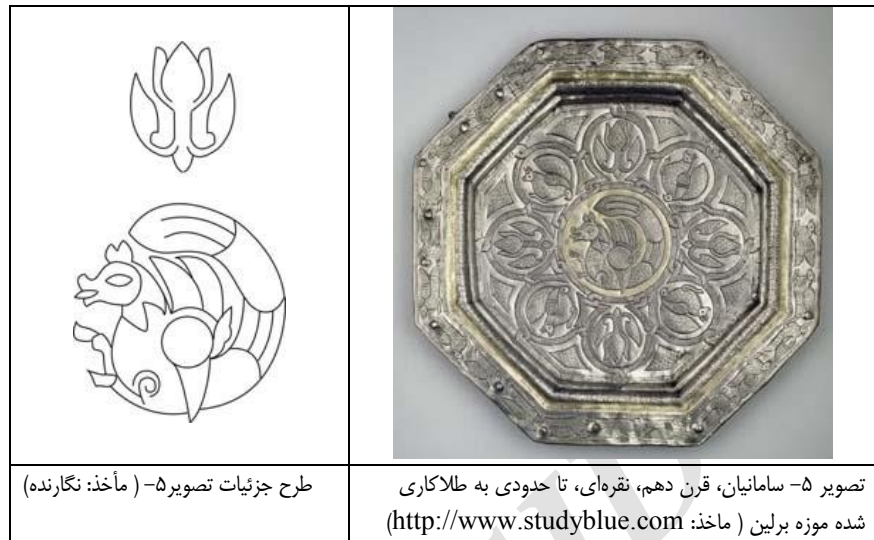
تذهیب، و همچنین عناصر تزئینی هنری مشابه نسبت به هنر دوره‌های ماقبل اسلام در آن‌ها دیده می‌شود؛ مشبک و کروی بودن فرم آن‌ها و جزییاتشان، از مشخصه‌های قرن دهم است و از این‌رو نشان می‌دهند که دارای منشأ سامانی می‌باشند.

هنر فلزکاری وایکینگ‌ها

بررسی هنر وایکینگ، بدون توجه به هنر اسکاندیناوی امکان ندارد. ارتباط تجاری مابین نروژ و اسکاندیناوی قبل از وایکینگ‌ها وجود داشته است. هنر وایکینگ سنت ناگسستی با هنر اسکاندیناوی دارد. با این‌که هنر خارجی بر وایکینگ‌ها در یک دوره اثر گذاشته است، اما این تأثیرات به‌زودی با سبک‌های بومی سازگار شده‌اند. هنر باقی‌مانده از اوایل دوران وایکینگ، نمایانگر درخشندگی، اصالت و شایستگی برابر با هنر معاصر اروپا می‌باشد که با این‌که نقوش گیاهی از جمله برگ‌های سه پَر و برگ گنگر سبک «بوره» (Borre)، نام خود را از اشیایی در یک کشتی مدفون در «وستفولد» در نزدیکی نروژ، چند مایل مانده به «اوسبرگ» (Oseberg) پیدا کرده است، اما بدون ارجاع به قطعات مستند و سکه‌شناسی بررسی آن‌ها امکان‌پذیر نمی‌باشند. شاید در همان زمان، به نام سبک دیگری مصطلح به «جلینگ» (Jelling) در اسکاندیناوی رایج بود، اما در عین حال سبک بوره را می‌توان به‌طور جداگانه و از بسیاری جهات همگن با جریان اصلی اواخر هنر وایکینگ دانست. مهم‌ترین ویژگی شاخص سبک بوره، روبان بافته شده است (تصویر ۵). گیس بافته شده شامل طرح‌های درهم تنیده و متقارن است که هر تقاطع آن با یک دایره محدود شده است که لوزی‌های تو خالی را محاط کرده‌اند. طرح‌ها از نوارهای دوتایی تشکیل شده‌اند و قالب محیطی آن‌ها اغلب دندان‌دار و اریب است و گاه به طرحی حیوانی ختم می‌شود که در یک خط برجسته‌ی کامل قرار می‌گیرند. این طرح‌های درهم تنیده شبیه به زنجیر حلقه‌ای است که معمولاً در افسار دهان‌ها و اشیای شبیه به آن واقع می‌شوند. نقش مایه اصلی به‌طور ماهرانه، چهارپای نواری شکل با یک سر به فرم ماسک است (تصویر ۶). انتهای ماسک شبیه به تسمه است که در ارتباط با طرح‌های درهم تنیده و چشم‌ها و پوزه‌ی حیوان با پیشانی و گوش‌های متقارن است. سرها تقریباً به فرم مثلث با دو لاله‌ی گوش و گیسوان است. گردن باریک، کفل چندگوش و پاها



▲ تصویر ۴. سینی متعلق به قرون اولیه‌ی اسلامی (Lukonin & Ivanov, 2012: 132).



از ران‌ها بیرون زده است. اغلب حیوانات در اشیاء بزرگ و سنجاق سینه بادامی شکل جای می‌گیرند (تصویر ۷).

این جانوران به گونه‌ای درهم تنیده‌اند که شبیه به یک موجود به نظر می‌رسند. سومین نقش مایه از شیوه‌ی بوره، شامل جانوری است که سرش را به عقب برگردانده و با یک آویزه گوش، گردن، بدن کم‌وبیش طبیعی (ناتورالیستی)، ران‌های حلزونی و پا‌های معمولاً خم شده به طرف جلو می‌باشند. پاها گاهی قلبی شکل و دارای دو یا سه عنصر پنجه‌مانند بوده و حاشیه‌ی زمینه را چنگ می‌زند. و اغلب تنها عنصری است که در زمینه واقع می‌شود (تصویر ۸).

شیوه‌ی جلینگ (Jelling)، (تصویر ۹)

به دلیل تنوع کیفیت و توزیع جغرافیایی، عملاً غیرممکن است که مکان رواج سبک جلینگ را تعیین کنیم. نام آن از قرن ۱۰ م. از گورستان سلطنتی جلینگ «این جوتلند» (Jutland) در دانمارک گرفته شده و شامل تزئینات گسترده بود.

تحولات سبک جدید در هنر وایکینگ، نام خود را از جامی به نام «جام جلینگ» در دانمارک به دست آورده است. نقش این جام متشکل از موجودی مارمانند با بدنی پیچیده در اطراف جام است. اشکال مدور اطراف جام، متأثر از قوس در دوره‌ی اسلامی است. نقوش دایره‌ای متشکل از دایره‌های مروراید گل میخ شده نیز از تزئینات دوره‌ی ساسانی و متعاقب آن نشأت گرفته و در هنر وایکینگ‌ها راه یافته است. این جام برای نوشیدن باده به ارتفاع ۴٫۲ سانتی‌متر و با تزئینات نواری شکل جانوری است. اشکال



► سنجاق سینه (Richards, 2005: 46).

دایره‌ای موجود در جام، یادآور هنر اسلامی می‌باشد. این نقش مایه‌ها که به دایره‌های مرواریدی شکل در تاریخ و ادبیات هنر اسلامی موسوم هستند در هنر وایکینگ‌ها به «سبک جلینگ» معروف است. این سبک به تدریج در قرن دهم توسط «سبک مامن» جایگزین شد که نام خود را از «تبری» با همین نام از دانمارک گرفته است. جنس آن از آهن بوده و با نقره مثبت‌کاری شده است. حیوان به تصویر کشیده در این تبر، پرنده‌ای است که با همان رشته‌های مروارید جام جلینگ احاطه شده است. این نقش مایه‌ی جدید در بخش دیگری از اروپا به وجود آمده و نقش توسعه‌یافته در اسکاندیناوی است (Richards, 2005: 125). «مامن» اصطلاحی برای شرح‌دادن اشیایی با نقوش متراکم، رشته‌های مروارید درهم بافته شده در تابوتی معروف به «تابوت بامبرگ» (Kunigunde, or Bamberg Casket) در موزه‌ی ملی مونیخ است (تصویر ۱۰). این تابوت با عاج شیرماهی برجسته‌کاری شده و با رشته‌های طلایی بر روی برنز تزیین شده است. در یک سمت آن طاوسی با دم شبیه جانوری است که در تبر مامن دیده شده است. در ب آن، شامل نقوش چهره‌ی انسان، جانوری شبیه به اژدها، یک جفت اژدهای روبه‌روی هم و دو پرنده در مقابل هم که عنصر گیاهی را به منقار گرفته است. در واقع تفاوت هنر وایکینگ‌ها نسبت به قرن نهم، همین سبک استفاده از رشته‌های مروارید و نقوش حیوانی موجود در سبک مامن و جلینگ است.

نقش مایه‌های جدید هنر وایکینگ‌ها در قرن دهم، همچنین در هنر سامانی نیز مشاهده می‌شوند. نقشی که در دوره‌ی سامانی در بسیاری از آثار هنری منسوجات، نقره‌ها و تزیینات معماری مشاهده می‌گردد، رشته‌های گل‌میخ مروارید است. نقش مایه‌ی دیگر، «سیمرغ» جانور اسطوره‌ای است. نقش سیمرغ در گچبری چال‌ترخان دیده شده است. سیمرغ محبوبیت خود را در دوره‌ی سامانی حفظ کرد و در این دوره که ادعای منتسب بودن به تبار ساسانی را داشتند، همچنان مشاهده می‌گردد (Kershaw, 2010: 8).

منسوجات اوایل دوره‌ی سامانی که از دوره‌ی ساسانی الهام گرفته‌اند، دارای نقش مایه‌های پرندگان جفت در مقابل هم، و عناصر انسانی و جانوری در میان دایره‌هایی متشکل از دانه‌های مروارید هستند که در میان آن‌ها گل‌هایی محاط در دوایری کوچکتر مشاهده می‌شوند.



سبک مامن (Mammen)، (تصویر ۱۱)

شیء دیگر در دانمارک به نام تبر «مامن» است که از جنس خاتم با نقوش نقره‌کوبی است. تلاش برای گسیختگی سبک جلینگ و مامن صورت گرفته است، اما کاربرد نوارهای متشکل از حیوانات در هر دو سبک مشاهده می‌گردد. نقش حیوان بر روی تبر مامن، همانند نقش پرنده بر روی جام جلینگ مربوط به هنر قرن نهم اسکاندیناوی است. فقط در این تبر نسبت به جام جلینگ، طرح حیوان و خطوط حلزونی، به شیوه‌ای اغراق‌آمیزتر، طراحی شده است.

این تبر آهنی که با نقره خاتم‌کاری شده است، همانند جام جلینگ، مملو از رشته‌های مروارید است. حیوانات به تصویر کشیده شده در آن به سبک وسیاق پرنده و حیوانات، در هنر وایکینگ‌هاست. این نقش، طبق نظر محققین هنر وایکینگ، معرف هنر اسکاندیناوی می‌باشد.

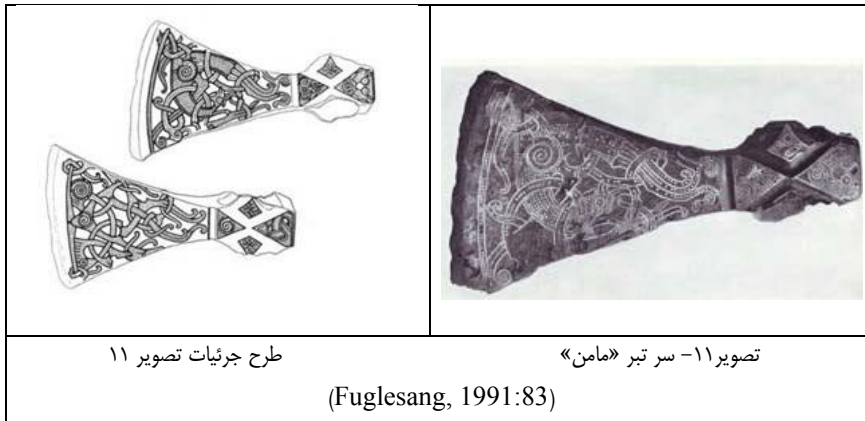
این تبر نقره‌ای منبت‌کاری شده که در هر دو سوی آن زینت وجود دارد، از گوری در دانمارک پیدا شده است. این سبک در عین حفظ ویژگی‌های سبک جلینگ، از جمله حیوانات به شکل S با نشیمن‌گاه مارپیچی و لبه‌ی پیچ‌خورده، مانند لاله‌گوش، با شکستن سنت‌ها از طریق عدم تقارن آن‌ها و حرکت گریز از مرکز و نقوشی مرکب از گیاهان و جانوران از جمله شیر، موجودات شبیه پرنده‌گان و مارها دارای پیچک نامتقارن می‌باشند (Fuglesang, 2001: 160).

سبک رینگرایک (Ringerike)، (تصویر ۱۲)

این سبک، نامش را از منطقه‌ای به همین نام در نزدیکی «اسلو» گرفته است. ویژگی‌های این سبک عبارتند از: تزیینات پیچک‌شکل و درهم تنیده، حیوانات متحرک با تزییناتی گلابی‌شکل در دو طرف بالایی که مشتق از برگ‌های کنگر وایکینگ‌ها است. زانوی حیوانات دارای تزیینات گره‌خورده‌ی درهم است. حیوانات به‌کاررفته شیر و مار به همراه تزیینات دنباله‌دار هستند. این تزیینات طویل و کشیده، منشعب از شیوه‌ی مامن و هنر انگلوساکسون می‌باشد.



تصویر ۱۰- جعبه تابوت بامبرگ (Fuglesang, 1991: 90)



طرح جریثات تصویر ۱۱

تصویر ۱۱- سر تبر «مامن»

(Fuglesang, 1991:83)

این سنجاق سینه با نقش آهو دارای ویژگی‌های سبک رینگرایک از جمله تزیینات پیچک‌دار و دم با نقش میانی تزیینی گلابی شکل می‌باشد و از ترکیب پیچک متناوب به شکل گلابی برجسته، چهار دست و پا، بدن منحنی، نشیمن‌گاه بزرگ مارپیچی و دم لوبی تشکیل شده است.



سبک اورنس (Urnes)، (تصویر ۱۳)

این سبک، نامش را از تزیینات کلیسای کوچکی به همین نام در نروژ گرفته است. سه نوع نقش مایه در این سبک استفاده می‌شوند: ۱- چهارپایان ایستاده؛ ۲- حیواناتی مارمانند با تک پای عقبی و شکست‌های زاویه‌دار در بدن؛ ۳- روبان‌های درهم بافته شده که گاهی سر یک حیوان را به همراه دارد. در این سبک، حیوانات فرم سینوسی و منحنی دارند و حیوانات مشبک در قسمت گردن به هم درگیر شده‌اند. ویژگی اصلی آن‌ها نشیمن‌گاه حلزونی و پیچش شبیه به لاله‌ی گوش به سبک جلینک و چشمان نقطه‌ای سبک رینگرایک است؛ و دارای اشکال حلقه‌ای و منحنی بسیار متنوع می‌باشد (Kershaw, 2010: 5).

جانوران چهار دست و پا با نشیمن‌گاه مارپیچ برجسته، چشم بادامی و منحنی‌هایی شبیه به لاله‌ی گوش، اما با کاهش تدریجی انحنای ساق پا بوده و فک حالت چنگ‌دار متفاوت از سبک‌های قبلی است (Wilson & Klindt, 1966: 147). همچنین جانوران دوپای مارمانند با گره‌های تند در قسمت‌هایی از بدنشان که به صورت برجسته با پای کشیده‌ی گره‌دار در جلو با کفل زاویه‌دار و پای پشتی کوتاه‌تر نمایان است. مارهای باریک با دم‌های درهم گره‌خورده و جانوران دوپای حلقه‌زده درهم، اغلب به شکل ۸ می‌باشند. ریتم و هماهنگی موجود در این سبک را در هیچ یک از سبک‌های قبلی نمی‌توان دید.

تطابق نقوش ظروف فلزی سامانیان و وایکینگ‌ها

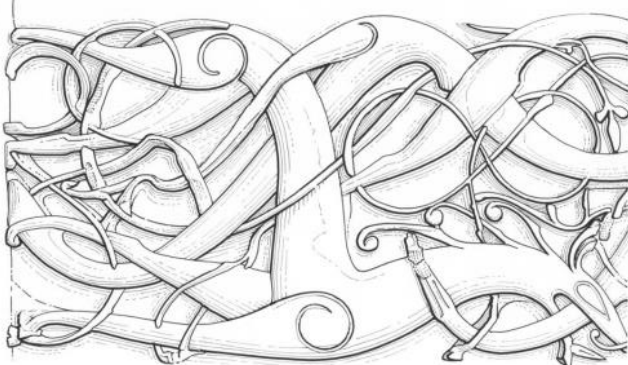
آثار هنر فلزکاری اسکاندیناوی در قرن ده میلادی، ویژگی‌هایی مشابه با تزیینات فلزکاری هنر سامانی دارد. نظر به تفاوت بافت فرهنگی، اجتماعی و مذهبی تمدن سامانی و وایکینگ‌ها، وجود تفاوت‌ها در آثار هنری دو منطقه از بدیهیات و انتظارات می‌باشد؛ لذا این پژوهش به دنبال عناصر مشابه در تزیینات آثار ظروف فلزی دو

	
<p>طرح جزئیات تصویر ۱۲</p>	<p>تصویر ۱۲-سنجاق سینه سبک رینگرایک (Fuglesang, 1980: 110)</p>

منطقه می‌باشد. پس از تطبیق تعدادی از نمونه‌های آثار هنری سامانی و وایکینگ‌ها، عناصر و ویژگی‌های مشترکی به شرح ذیل به نظر می‌رسند:

- نقوش جانوری که در سبک مامن به صورت ترکیبی نمایش داده می‌شوند، در واقع نمایش‌گر سیمرغ هستند و دم با پره‌های برجسته و حالت انحنای بدنش متناسب با فرم سر تیر است. لب ضخیم و دهان باز در نقش جانور جام جلینگ، شبیه به سیمرغ‌های ساسانی است. پوزه‌ی خمیده‌ی جانور جام جلینگ، یادآور نقش سیمرغ در سینی سامانی است. یکی از جانوران تابوت بامبرگ نیز ظاهری شبیه به سیمرغ دارد و جانوران مقابل هم با گیاهی در منقارشان، به کرات در پارچه‌های آسیای مرکزی دیده شده‌اند.

سیمرغ در آثار فلزی و منسوجات ساسانی به وفور قابل مشاهده است. این پرنده‌ی اسطوره‌ای به واسطه‌ی ویژگی‌های منحصر به فرد خود به عنوان نشان شاهی بر لباس پادشاهان ساسانی نقش می‌بست. ابن خلدون می‌گوید: «در خلعت‌های شاهانه، عادتاً


<p>تصویر ۱۳-جزئیات سبک اورنس در کنده کاری چوبی کلیسا (Kershaw, 2010:5)</p>

تمثال همایونی را نقش می‌کردند یا تصاویری را می‌بافتند که علایم سلطنتی را دربر داشت» (کریستین سن، ۱۳۵۰: ۵۳۷). سیمرغ ساسانی که در برخی منابع تحت عناوین مختلفی از جمله «اژدها-طاووس» و «اژدهای بال‌دار» خوانده شده، موجودی است ترکیبی با سر و پنجه‌ی شیر یا سگ، گردن و بال عقاب و دم طاووس که ویژگی‌های اساطیری هر یک از این موجودات اسطوره‌ای را به همراه دارد.

- عنصر مشترک دیگر در هنر سامانی و وایکینگ‌ها، وجود دایره‌های متشکل از مروارید است که در منسوجات، نقره‌ها و تزیینات معماری کاربرد دارند. «مروارید که دارای ارزش فراوانی نیز می‌باشد، می‌تواند نمادی از ایزدبانوی آب‌ها «آناهیتا» فرض شود و دایره‌ی مدور و مزین به ردیف مرواریدها می‌تواند نمادی از فره ایزدی این ایزدبانو باشد» (سودآور، ۱۳۸۴: ۷۹).

- پرنندگان مقابل هم در دوره‌ی سامانی، از هنر ساسانی نشأت گرفته و این نقش مایه به‌طور گسترده‌ای از مسیرهای مختلف وارد هنر وایکینگ شده است.

«تمایل به ایجاد تقارن در بیشتر نقوش خلق شده در دوره‌ی ساسانی به چشم می‌خورد، از جمله در: نقوش پارچه‌های ابریشمی، نقش برجسته‌ها، مسکوکات، اشیاء فلزی و...؛ اگرچه تاحدی این اسلوب (تمایل به قرینه‌سازی) از دوره‌های قبل به هنر ساسانی راه یافته است، ولی تکرار آن بی‌دلیل نیست. قراردادن اشکال به صورت قرینه در کنار هم و جای دادن آن‌ها در کادرهای هندسی، برخلاف سادگی ظاهری دارای مفهوم عمیق و گسترده‌ای است که ریشه در افکار، رسوم، اعتقادات، اسطوره‌ها و باورهای آن دوره دارد» (مولایی، ۱۳۹۰: ۱۶۲).

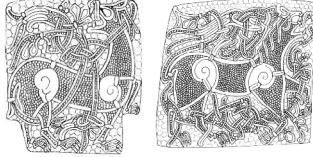
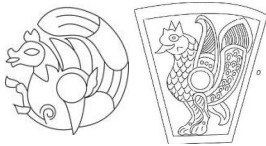
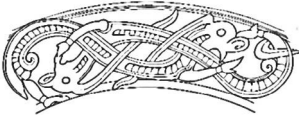

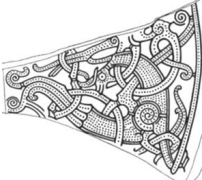




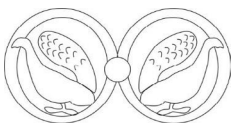
- همچنین، پیچک پالم‌ت در تابوت بامبرگ، شبیه به نقش مایه‌های هنر اسلامی می‌باشد. بعد از تسلط دین اسلام در ایران، اغلب نقوش دوره‌ی ساسانی در دوره‌های بعد اسلامی انتقال یافت، اما به‌طور ترکیب با نقوش تزیینی گیاهی و هندسی دوره‌ی اسلامی به چشم می‌خورند. همین نقوش اسلامی به دیگر ممالک منتقل شد که نمونه‌هایی از آن‌ها را در هنر فلزکاری وایکینگ‌ها می‌توان به وضوح مشاهده نمود.

نتیجه‌گیری

اگرچه تعداد نمونه‌های موجود آثار هنری سامانیان در مسیر خز، کم و معدود است؛ اما انعکاس توصیف و گزارش جغرافی‌دانان از دادوستد و مراودات کالا در دوره‌ی سامانی نشانگر این است که سامانیان ظروف و اشیاء لوکسی را صادر می‌نمودند. نقش مایه‌ها و تزیینات این ظروف، اگرچه به‌طور مستقیم توسط وایکینگ‌ها تقلید نشد، اما به نظر می‌رسد منبع الهام بخشی برای هنرمندان وایکینگ بوده است. آنان به‌طور انتخابی برخی از نقوش ظروف فلزی سامانی را برگزیده و با دخل و تصرف در آن‌ها، نقش مایه‌های جدیدی متناسب با محیط فرهنگی‌شان خلق نمودند که نمونه‌هایی از آن در جام جلینگ و سر تیر مامن (تصویر ۱۱) مشاهده می‌گردد.

سبک‌های جدید تزیینی که در هنر وایکینگ‌ها در قرن دهم شکل گرفته است، نشانگر این مسئله است که تجارت در طول مسیر خز، علاوه بر اهمیت اقتصادی آن، می‌توانسته است بر آثار هنری هم تأثیر داشته باشد. مسیر خز همانند دیگر

► جدول ۱. تطبیق نمونه‌ها (نگارنده، ۱۳۹۵).

نمونه‌های وایکینگ‌ها	نمونه‌های سامانی	نمونه‌ها و ویژگی‌ها
		سیمرغ و جانوران ترکیبی
		تزئینات نقطه‌دار و دانه‌های مروارید
		پرنده و جانور با شیء در منقار یا دهان
		موتیف‌های هنر اسلامی
		جانوران مقابل هم

مسیرهای تجارت دریایی و زمینی معروف، به نظر می‌رسد که مسیر اصلی تبادلات فرهنگی در جهان قرون وسطی بوده است که قطعاً ارزش نگاهی عمیق‌تر و شایستگی پژوهش‌های بیشتری دارد. مسیر خز به‌عنوان راه تجاری می‌تواند مثال یک راه انتقال فرهنگی به هم پیوسته، جهت مستندسازی و تجزیه و تحلیل سبک باستان‌شناسی، سکه‌شناسی و منابع ادبی باشد. از طریق تجارت و از راه دور، نقش مایه‌هایی که حامل مفهوم تلویحی خاصی در اشیاء هنری عتیقه و قابل حمل و دربردارنده‌ی مفهوم هنر سامانی باشند به تناسب با مفهوم هنر وایکینگ‌ها وفق داده و تکرار شده است. معانی ضمنی و خاص سبک هنری جلینگ و مامن، به بهترین وجه در هنر وایکینگ باقی مانده است. جاده‌ی مسیر خز ارتباط جهانی قرون وسطی را نشان می‌دهد. شاخه‌ای از آن به قسطنطنیه رفته و مسیر خز را به سیستم تجارت مدیترانه می‌بندد. در شهرهای ساسانی، مسیر خز به جاده‌ی ابریشم و همچنین مسیر عبور بردگان تُرک از شمال آسیای مرکزی به جهان اسلام برمی‌خورد. مشاهده‌ی قلمرو سامانیان به‌عنوان مسیر اصلی راه عمده تجارت، آن را در یک چشم‌انداز متفاوت از دیدگاه صرفاً تاریخی هنر اسلامی قرار داده است؛ علاوه بر عوامل محیطی، شهرهای اصلی آن‌ها مراکز پُر رونق در چند محور جهان بوده‌اند.

فقط به جای نگاه به سمت بغداد، تمرکز آن‌ها به تمام جهات گسترده و نفوذ آن‌ها به طور گسترده‌ای در عرصه‌های مختلف احساس می‌شود. در نهایت، از عناصر مشترک در هنر سامانی و وایکینگ‌ها، وجود دایره‌های متشکل از مروارید است که در منسوجات، نقره‌ها و تزیینات معماری کاربرد دارند. عنصر مشترک دیگر سیمرغ جانور اساطیری است که در تمام هنرهای دوره‌ی سامانی، از جمله گچبری‌های چال‌ترخان وجود دارند. محبوبیت این نقش از دوره‌ی ساسانی در ایران پابرجاست. کاربرد نقش مایه‌های گیاهی اسلیمی و ختایی و وجود ترکیب‌بندی متقارن در قرارگیری جانوران در مقابل هم از دیگر ویژگی‌های مشترک هنر فلزکاری دو منطقه می‌باشد.

کتابنامه

- ابن اسفندیار، ۱۳۶۶، *تاریخ طبرستان*، تصحیح: عباس اقبال، تهران: پدیده‌ی خاور.
- ابن حوقل، محمد، ۱۳۶۶، *سفرنامه‌ی ابن حوقل*، ترجمه‌ی جعفر شعار، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
- ابن فضلان، ۱۳۵۵، *سفرنامه‌ی ابن فضلان*، ترجمه‌ی ابوالفضل طباطبایی، تهران: انتشارات شرق.
- بارتولد، و. و.، ۱۳۷۶، *تاریخ ترک‌های آسیای میانه*، ترجمه‌ی غفار حسینی، تهران: توس.
- سودآور، ابوالعلاء، ۱۳۸۴، *فره‌ایزدی در آیین پادشاهی ایران باستان*، تهران: نشرنی.
- فرای، ریچارد، ۱۳۶۵، *بخارا دستاورد قرون وسطی*، ترجمه‌ی محمود محمودی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- فرای، ریچارد، ۱۳۶۳، *تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه*، ترجمه‌ی حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- کریستین سن، آرتور، ۱۳۸۲، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه‌ی رشید یاسمی، تهران: انتشارات صدای معاصر
- گلجان، مهدی، ۱۳۸۴، *میراث مشترک*، تهران: امیرکبیر.
- جمال‌زاده، محمدعلی، ۱۳۷۲، *تاریخ روابط روس و ایران*، تهران: موقوفات افشار.
- مسعودی، علی بن حسین، ۱۳۷۰، *مروج‌الذهب*، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، ج ۱، چاپ ۴، تهران: علمی و فرهنگی.
- مولایی، افسانه و چراغعلی گل، سمیه، ۱۳۹۰، «قرینگی در نقوش ساسانی»، *کتاب ماه هنر*، شماره‌ی ۱۶۲، صص: ۱۱۲-۱۱۸.
- هروی، جواد، ۱۳۸۹، «دولت سامانیان در عرصه‌ی سیاست خارجی»، *جستارهای تاریخی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول، شماره‌ی دوم، صص: ۱۱۹-۱۳۳.

- Brink, S., 2008, *The viking world*, published by Routledge.
- Dimand, M. S., 1941, "A review of Sasanian & Islamic Metalwork,"
In: *A Survey of Persian Art, Ars Islamica, Published by: Freer Gallery of Art*, Vol. 8, pp. 192-214.
- Eriksen, M. H., 2014, *Viking Worlds*, Oxford :United Kingdom
- Frye, R., 1975, *The Cambridge History of Iran*, Volume 4: The Period from the Arab Invasion to the Saljuqs, England: Cambridge University Press.
- Frye, R., 1984, "Comparative Observations on Conversion to Islam in Iran & Central Asia", *Jerusalem Studies in Arabic & Islam*, 4, 81- 88.
- Fuglesang, S. H., 1980, *Some Aspects of the Ringerike Style: a Phase of 11th Century Scandinavian Art*, Odense: Odense University Press.
- Gullbekk, S., 2008, "Coinage & Monetary Economies in The Viking World", ed. Stefan Brink, London & New York, NY: *Roudedge*, pp.159-169.
- Holman, K., 2009, *The A to Z of the Vikings*: Scarecrow Press. Infobase Publishing, 217
- Jane, K., 2010, *Viking-Age Scandinavian Art Styles & Their Appearance in the British Isles*, Part, Early Viking-Age Art Styles, London: Finds Research Group.
- Lukonin, V., & Ivanov, A., 2012, *The Lost Treasure Persian art*, New York, USA: Parkstone Press International.
- Martin, J., 2004, *Treasure of the Land of Darkness: The Fur Trade & Its Significance for Medieval Russia.*, Cambridge University Press.
- Melanie, M., 2012, "Samanid Silver & Trade along the Fur Route Medieval, *Encounters*, journal, Volume 18, Issue 4-5, Pp. 315–338
- Noonan, T. S., 1982, "Ninth-century dirham hoards from European Russia", *Journal of Baltic Studies*, Vol. 13, No. 3, Published by: Taylor & Francis, Ltd. , pp. 220-244
- Pelter, C., Madeleine, G. J., 2009, *Linda Handbook to Life in the Medieval World*, Infobase Publishing, New York.
- Pritsak, O., 1981, *Studies in Medieval Eurasian History*, London: Variorum.
- Richards, J., 2005, *The Vikings a very short introduction*, New York: published by oxford university press.
- Sawyer, P. H., 2003, *KINGS & VIKINGS*, Taylor & Francis e-Library.
- Sindboek, S. M., 2008, "Local & Long Distance Exchange", *In the Viking World*, ed. Stefan Brink, London & New York: Routledge, pp 150-158.
- Tibi, A., 1996 "The Vikings in arabic sources", *Islamic Studies*, Vol. 35(2), pp. 211-217.
- Wilson, D. M., 2008, "The Development of Viking Art." *In The Viking*

World, Edited by Stefan Brink with Neil Price, London: Routledge.

- <http://www.hermitagemuseum.org>

- <http://www.studyblue.com>

Archive of SID